در گفت‌وگوی توسعه ایرانی با قاتل خانوادگی مطرح شد

# جزییات شلیک مرگبار به پدر و مادر

PDF Compressor Free Version



**گروه حوادث:** پسر جوان که با طلاق همسرش همیشه در توهم شیشه بود پدرو مادرش را به رگبار بست و کشت.

## صدای وحشت

عقربه ها ساعت ۱۵ چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه امسال را نشان می‌داد که ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نو در جریان تیراندازی مرگباری در خیابان دماوند و محله فانی قرار گرفتند.

ماموران در طبقه سوم یک ساختمان با جسد خونین زن و شوهر ۴۸ و ۵۶ ساله روبرو شدند که شلیک گلوله به قتل رسیده بودند و متوجه شدند ۲ پسر خانواده نیز با شلیک گلوله و ضربات چاقو و قمه مجروح شده‌اند.

## حمله نقابداران!

امیر پسر خانواده در همان ابتدا هدف تحقیق قرار گرفت و گفت: داخل خانه بودم که ناگهان ۳ مرد که صورتشان را بسته بودند و وارد خانه شدند و پس از شلیک به سمت پدر و مادرم به سراغ من آمدند و تفنگ را در دستم قرار دادند تا برادرم را نیز به قتل برسانم، منتظر آمدن برادرم شدیم تا اینکه غلامرضا وارد خانه شد و من به سمت او تیراندازی کردم که تیر به دست برادرم اصابت کرد و به سرعت به طبقه سوم ساختمان رفت و در را به روی من و مردان غریبه بست، سپس مردان خشن مرا به باد کتک گرفتند و با زخمی کردنم پا به فرار گذاشتند.

## ادعایی متفاوت

این ادعاها در حالی بود که غلامرضا ۲۹ ساله که از ناحیه دست هدف گلوله قرار گرفته بود به ماموران گفت: وقتی وارد خانه شدم برادرم امیر را دیدم که بخاطر اختلافاتی که با هم داشتیم بدون هیچ صحبتی به سمت راه پله ها رفتم که ناگهان صدای تیراندازی شنیدم و متوجه شدم از ناحیه دست زخمی شده‌ام، به سرعت به طبقه سوم ساختمان رفتم با جسد پدر و مادرم روبرو شدم.

وی افزود: داخل خانه در راقفل کرده بودم که امیر درخواست کمک کرد و می‌گفت که چند مرد قصد کشتن او را دارند اما هیچ صدای مرموزی نمی‌شنیدم تا اینکه برادرم با شکستن شیشه وارد اتاق شد و همان لحظه من با پلیس تماس گرفتم.

## خودزنی پسر

بازپرس مرادی با توجه به مرموز بودن ادعاهای امیر دستور بازداشت پسر جوان را صادر کرد و تحقیقات فنی در اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران کلید زده شد و این در حالی بود که پزشکی قانونی جراحات روی دست و پای امیر را خودزنی اعلام کرده بود.

## اعتراف

امیر که می دید راز شومش فاش شده‌است گفت: روز حادثه در پارکینگ ساختمان در حال مصرف مواد مخدر بودم که ناگهان پدرم بالای سرم آمد و با پا ضربه ای به وسایل استعمال مواد مخدر زد که سر همین موضوع با هم درگیر شدیم که از پدرم کتک خوردم.

وی افزود: از رفتار پدرم خسته شده بودم، به همین خاطر اسلحه‌ای را که از قبل تهیه کرده بودم را مسلح کردم و به سراغ پدرم در طبقه سوم ساختمان رفتم و ابتدا او را هدف قرار دادم و سپس مادرم که شروع به جیغ و فریاد کرده بود را در آشپزخانه به قتل رساندم.

پسر جوان ادامه داد: قصد داشتم از خانه خارج شوم که ناگهان برادرم وارد خانه شد و چون نمی خواستم او متوجه ماجرا شود از پشت به سمت او تیراندازی کردم که گلوله به دستش اصابت کرد و غلامرضا به سرعت به طبقه سوم ساختمان رفت و در را به روی من بست و مانع ورود من شد و سپس ماموران با حضور در خانه مرا دستگیر کردند.

## پسر شرخر

کارآگاهان در ادامه تحقیقات پی بردند که امیر در زمینه وصول کردن چک های بلامحل فعالیت داشته و در شرخری همیشه تفنگ همراه خود داشته است.

## گفت‌وگو با شرخر جنایتکار

امیر ۳۲ ساله که هنوز باور ندارد پدر و مادرش را به قتل رسانده تنها نگران دختر ۷ ساله اش است و از برادرش می خواهد که از دخترش مراقبت کند و اگر آزاد شود برای آنها تا آخر عمر غلامی می کند.

**■ چرا پدر و مادرت را به قتل رساندی؟**

در حال خودم نبودم، با پدرم درگیر شدم که ابتدا او را به قتل رساندم و بعد صدای جیغ و فریادهای مادرم را شنیدم که به آشپزخانه رفتم و به سمت مادرم نیز تیراندازی کردم تا اینکه برادرم به سراغم آمد و چند بار زد تو گوشم تا اینکه به حال خودم برگشتم و تفنگ را به دست برادرم دادم و سپس با پلیس و اورژانس تماس گرفتیم.

**■ اما به برادرت هم تیراندازی کردی؟**

یادم نمی آید که به برادرم شلیک کرده باشم.

**■ مواد مصرف کرده بودی؟**

بله، همه جور موادی مصرف کرده بودم.

**■ چه موادی مصـــرف کرده بودی؟**

شب قبل از قتل تریاک کشیده بودم، بعد کمی حشیش مصرف کردم دیدم حال خوبی ندارم به همین خاطر کمی شیره کشیدم اما بی‌فایده بود به همین خاطر به سراغ مواد مخدر کوکائین رفتم و آن را مصرف کردم و بعد از آن شیشه کشیدم.

**■ قبلا این همه مـــواد را با هم کشیده بودی؟**

یکبار کوکائین و تریاک را با هم مصرف کرده بودم.

**■ روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟**

در پارکینگ ساختمان بودم که پدرم وسایل را داخل حیاط ریخت و من هم تصمیم گرفتم وسایلم را جمع کنم و به شهرهای شمالی بروم و بعد از چند روز به خانه بیایم که در یک لحظه عصبانی شدم و با برداشتن تفنگ به سراغ پدرم رفتم.

**■ آن را از کجا تهیه کرده بودی؟**

یک ماه قبل از یکی از دوستانم گرفته بودم.

**■ تا قبل از قتل از تفنگ استفاده کرده بودی؟**

یکبار با برادرم در حیاط خانه یک تیر شلیک کردم و دیگر هیچ استفاده‌ای از آن نکردم.

**■ چرا مادرت را به قتل رساندی؟**

وقتی به طبقه سوم رفتم و پدرم را به قتل رساندم، فکر می کردم مادرم در طبقه پایین است اما ناگهان صدای جیغ و فریادش را از داخل آشپزخانه شنیدم که به سراغ مادرم رفتم و از پشت به سرش شلیک کردم.

**■ چه وقت متوجه قتل پدر و مادرت شدی؟**

فردای آن روز که در بازداشت پلیس بودم متوجه شدم پدر و مادرم به قتل رسیدند.

**■ چه حسی داشتی؟**

داشتم خفه می شدم و حالم خیلی بد بود.

**■ شـــنیدم در کار شرخری فعالیت داشتی؟**

نه، دروغ است.

**■ ازدواج کردی؟**

بله اما ۵ سال است که طلاق گرفتیم.

**■ بچه داری؟**

بله، نگران رها هستم، دخترم ۷ ساله است و نمی دانم چه حال و روزی دارد.

می دانی دخترت کجاست؟

امیر در حالی که اشک می ریزد گفت: از برادرم علی خواستم که مواظب دخترم باشد و فکر کنم پیش برادرهایم باشد.

**■ بخاطر اعتیاد از همسرت جدا شدی؟**

نه، ۲ سال بعد از جدایی از همسرم به خاطر ناراحتی شروع به مصرف مواد کردم که آرام شوم.

**■ با پدرت اختلاف داشتی؟**

بله، همیشه با من درگیر می شد و مرا کتک می زد.

**■ از بچگی تورا تنبیه می کرد؟**

نه، از زمانیکه ازدواج کردم و تا بعد از جدایی ام پدرم با من اختلاف پیدا کرد و هر روز با هم درگیر می شدیم.

**■ پدرت با ازدواجتان مخالفت می کرد؟**

بله.

**■ عاشق شده بودی؟**

بله، بعد از مدتی که با همسرم آشنا شدم به او وابسته شـدم و تصمیم به ازدواج کردیم و همسـرم یک پدر پیر داشت که به خواستگاری اش رفتم و با همه مخالفت هایی که پدرم داشت با هـم ازدواج کردیم و حتـی بعد از جدایی نیز پدرم به خاطر طلاق دوباره اختلافاتش با من بیشتر شد.

**■ هنوز همســرت را دوست داری؟**

بله، حتی شب عید از او خواستم که به خانه باز گردد و پدرم نیز پیشنهاد داد تا مدتی را من و همسرم در خانه پدری ام زندگی کنیم و اگر در کنار هم دیگر اختلاف نداشتیم دوباره ازدواج کنیم اما نپذیرفت.

**■ چه چیزی باعث شد که تو دست به قتل بزنی؟**

اشتباهات پدرم باعث این اتفاقات بود، هیچ وقت ما را آدم حساب نمی کرد و تفکر قدیمی اش باعث درگیری ما شده بود.

**■ اما گفته بودی در حالت عادی نبودی که قتل را انجام دادی؟**

مواد مخدر تاثیر داشت اما بیشتر از همه اشتباهات پدرم مرا به اینجا رساند.

**■ صحنه تیراندازی هایت را به یاد داری؟**

نه، الان یادم نیست، اما هر شب دارم کابوس می بینم.

**■ چرا اگر یه می کنی؟**

دارم خفه می شم، مرا بکشید تا راحت شوم، دلم برای پدر، مادر و دخترم تنگ شده است.

**■ حرف آخر؟**

اول می خواهم به برادرم بگویم که به پاهات می افتم و می خواهم که برای دخترم رها پدری کنی و تنهایش نگذاری و به برادرم کوچکم حامد می گویم که تو می دانی که همیشه دوستت داشتم و به خاطر من مواظب دخترم باش.

امیر اشک می ریخت و گفت: از برادرهایم می خواهم مرا حلال کنند و اگر آزاد شوم به خاطر اینکه از دخترم نگهداری کردند تا آخر عمر نوکری برادرهایم را می کنم.

بنا به این گزارش، امیر برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس مرادی از شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

خبر

رییس پلیس تهران رازگشایی کرد

## قیمت بازار در دستان سلطان سکه



**گروه حوادث:** سلطان سکه طلا که در مدت ۱۰ ماه بیش از دو تُن سکه طلا را خرید و فروش کرده در عملیات پلیس تهران دستگیر شد.

## سلطان سکه

سردار حسین رحیمی رییس پلیس تهران در خصوص آخرین وضعیت نظارت پلیس در بازار ارز و سکه گفت: «سلطان سـکه»، مردی که در بازار سکه به سلیقه شخصی خود قیمت سـکه را بالا و پایین می‌برد، در مدت چهار ماه کار پلیسی و با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی، دوشـنبه شب دستگیر شد. وی افزود: این مرد در طول ۱۰ ماه فعالیت خود ،براساس ۵۰۰ سـند و مدرکی که در خصوص وی به دست آمده در بحث دلالی سکه نقش اصلی را به عهده داشت و در این مدت حدود ۲ تن سکه را خرید و فروش کرده بود. این فرد برایش قیمت سکه مهم نبود؛ هر وقت سلطان سـکه اراده می کرد، افرادش برایش سکه‌های موجود در بازار را خریده و در ادامه سلطان سکه اقدام به تعیین قیمت سکه می کرد.

سردار حسین رحیمی ادامه داد: سلطان سکه مردی ۵۸ ساله و سابقه‌دار است؛ پسرش نیز چندی پیش دستگیر و هم اکنون با سند آزاد است.

## جعل دلار

سردار حسین رحیمی فرمانده انتظامی پایتخت در ادامه از انهدام باند ۶ نفره‌ای که اقدام به جعل دلار می کردند خبـر داد و گفت: با اطلاعات پلیسـی، اعضای این باند جعل دلار شناسایی و هر ۶ نفر آنها دستگیر شدند.

## جزییات ۲۰ کیلو سکه

سـردار رحیمی همچنین به دستگیری ۲ نفر که ۱۷۰ میلیارد تومان سکه خریداری کرده بودند اشاره کرد و بیان داشت: این افراد بعد از کلاهبرداری از ده‌ها نفر متواری شده بودند که دو هفته پیش در مخفیگاه‌شان در یکی از شهرهای شمالی دستگیر شـدند. از این افراد بیش از ۲۰ کیلو سـکه و طلا کشف شد.

## واقعیت سرقت خودروی نمایندگان

سردار رحیمی در خصوص سرقت ۲۰ خودروی نمایندگان مجلس افزود: موضوع آنگونه که مطرح شده نیسـت؛ تعدادی از این خودروها کشف شده است و پروسه زمانی سرقت این خودروها مربوط به سه سال گذشته بوده است؛ برخی از آن خودروهای سرقتی نیز سند نمره شده‌اند.

## شیادی در واردات موبایل

سـردار رحیمی گفت: ۳۵ شـرکت در زمینه واردات گوشی تلفن همراه، تبلت و قطعات کامپیوتر، ارز دولتی را دریافت کردند؛ ۲۲۰ میلیون دلار برای این ۳۵ شرکت اختصاص داده شد، اما متأسفانه بعد از بررسی‌ها شد که تمام این ۳۵ شرکت تخلف کرده‌اند.

سردار رحیمی در تشریح تخلفات این ۳۵ شرکت گفت: بیش از ۱۲ تیم از کارآگاهان پلیس آگاهی در معیت بانک مرکزی، سازمان تعزیرات، وزارت صنعت ومعدن و سازمان حمایت از مصرف کننده با محوریت پلیس آگاهی کار بررسـی از این ۳۵ شرکت را آغاز کردند. وی افزود: براساس اطلاعات، ۸۶ میلیون یورو، ۴۱ میلیون یوآن چین و ۱۸ میلیون درهم امارات به این ۳۵ شرکت پرداخت شد و این ۳۵ شرکت جمعا ۴۰۰ هزار گوشی موبایل از چهار برند معروف وارد کشور کردند. وی اعلام کرد: براساس اسناد موجود ۳۰۰ هزار گوشی وارد شده توسط این شرکت‌ها به قیمت ارز آزاد فروخته شده و ۱۰۰ هزار گوشی نیز در انبارها احتکار شده بود که توسط پلیس توقیف شد. سردار رحیمی به تخلفات محرز این ۳۵ شرکت پرداخت و اعـلام کرد: این شـرکت‌ها پس از ثبت سفارش کالا، ارز را دریافت کرده و بدون اینکه کالا وارد کنند، ارز را به صورت اسکناس گرفته و در بازار به فروش رساندند؛ بعضی از آنها جهت گمراه کردن بازرسان و سندسازی، بخشـی از کالا را وارد کشور کرده و بقیه را به صورت آزاد فروخته‌اند.

## اجاره کارت ملی توسط صرافها

وی به دستگیری تعدادی از صرافی ها اشاره کرد و گفت: با اقدامات اطلاعاتی و بررسـی سامانه سنا مشخص شد تعدادی از صرافی ها کارت ملی بالغ بر ۱۸۰۰ نفر را به قیمت ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان اجاره کرده و با کارت آنها دلار دولتی دریافت کرده و در بازار به قیمت آزاد فروخته‌اند. این صرافی ها از نیمه دوم سال گذشته این فعالیت غیرقانونی را شروع کرده بودند که بررسی های پلیس حکایت از آن دارد که ۲ میلیارد دلار توسط این صرافی ها و به واسطه اجاره ۱۸۰۰ کارت ملی از افراد معتاد و بیکار دریافت کردند.

این مرد رییس شرکت را کشته بود

# نامه قاتل از زندان ۱۲ سال بعد



**گروه حوادث:** مرد زندانی که ۱۲ سـال رییس یک شرکت را کشته بود برای رسیدگی به محکومیتش از دادگاه درخواست کمک کرد.

پویا ۳۰ ساله روز ۲۹ خردادماه سال ۸۵ با همدستی دو دوستش رئیس شرکتی را که در آن کار می کرد در پوشش مسافربر سوار پراید کرد و او را به مشکین دشت کرج کشاند.

این مرد پس از درگیری با رئیس شرکت وی را با شلیک دو گلوله کشت و گریخت.

پلیـس پـس از پیدا کـردن جنـازه و در تحقیقات فنی بـه راز جنایت کینه جویانه پی برد و پویا را بازداشت کرد.

وی پای میز محاکمه ایستاد و گفت: مدتی بود که عضو شرکت هرمی گلدکوئیست شده بودم وهمه پس اندازم را از دسـت داده بودم، وضع مالی خوبی نداشتم و زندگی ام در آستانه فروپاشـی بود. در همان روزها بود که رییس شرکت هم مرا از کار بیکار کرد. از او خواستم تا حقوق چندین ماهه‌ام را که به تعویق افتاده بود و در مجموع ۶۰۰ هزار تومان می‌شد به من بدهد اما هر روز بهانه‌ای می آورد.

وی ادامـه داد: آخرین بـار وقتی با رئیس شرکت درگیر شـدم و او مرا از شرکت بیرون انداخـت، کینـه او را به دل گرفتـم و به فکر کشـتن او افتادم. من برای اجرای نقشـه‌ام از دو نفـر از دوسـتانم کمک گرفتـم. من و یکی از دوسـتانم روی صندلـی عقب پراید نشسـتیم و یکی از دوسـتانم رانندگی را به عهده گرفت.

ما به‌عنوان مسافر بر مقابل در شرکت رفتیم و رئیس را سوار کردیم تا او را به خانه‌اش برسانیم .من با کلاه و ماسـک صورتم را پوشانده بودم. حوالی مشکین دشت کرج بود که کلاه و ماسک را از صورتم برداشتم و از رئیس شرکت خواستم تا حقوقم را بدهد اما قبول نکرد. من که عصبانی شده بودم به رویش اسلحه کشیدم و دو گلوله به سرش شـلیک کردم و این در حالی بود که دوسـتانم در جریان کشـتن رییس شرکت نبودند و فکـر می کردند فقط قصد تسـویه حساب دارم.

در پایان آن جلسـه قضات دادگاه پویا را به قصاص محکوم کردند و حکم صادره در دیوان عالی کشـور مورد تایید قرار گرفت که مرگ پدر قربانی که تنها ولی دم بود موجب شـد تا خواهر و برادرهای مدیر شرکت ولی دم جدید محسوب شوند.

آنها هنوز درخواست‌شان را برای مجازات پویا مطرح نکرده بودند که در فاصله کمی یکی از برادرهای مقتول به خاطر سانحه رانندگی نیز فوت شـد. این ماجرا و تغییر دوباره اولیای دم باعث شد تا آنها پیگیری پرونده نشوند و پویا ۱۲ سال بلاتکلیف در زندان بماند.

## در دادگاه

پویا از زندان نامه‌ای به قضات دادگاه نوشت و درخواست تعیین تکلیف را مطرح کرد سپس روز گذشته در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

پویا که حالا ۴۲ ساله است در حالی که اشک می ریخت گفت: مـن در آن زمان جوان بودم و اشـتباه کردم. باید صبر می کردم و به رئیس شرکت فرصت می‌دادم تا پولم را تسویه کند اما چون در شرایط بد مالی و روحی قرار داشتم چنین تصمیم اشتباهی گرفتم. حالا ۱۲ سال است که بلاتکلیف در زندان مانده‌ام و هر شب کابوس اعدام میبینم. من از این وضعیت خسته شده‌ام از قضات دادگاه می خواهم یا زودتر حکم اعدام را اجرا یا حکم آزادی ام را صادر کنند.

بنا به این گزارش، در پایان جلسـه هیات قضایی وارد شور شد تا طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسـلامی جدید برای این متهم حکم صادر کند.